

رهبر انقلاب در دیدار مداحان و ستایشگران اهل بیت^(ع)

بر ضرورت مقابله صحیح دفاعی و هجومی در برابر فعالیت تبلیغاتی دشمن تأکید کردند

آرایش جدید رسانه‌ای

صفحه ۲

Leader.ir, عکس

روز



توقیف نفتکش‌های حامل نفت ونزوئلا توسط آمریکا
در راستای اخلاص در زنجیره تأمین سوخت جهانی
و فشار اقتصادی بر ونزوئلاست

دومینوی نامنی انرژی

پشت پرده انتخاب گوفمن
بحران اعتماد و اضطراب در رژیم صهیونیستی

غریبہ درموساد

Index

جدیدترین آمار از بارش های خوب آخر پاییز

دریاچه ارومیه زنده شد

رئیس سازمان هواشناسی در گفت‌وگو با «وطن امروز»: ۲ سامانه قوی، این هفته وارد کشور می‌شود

صفحة 4

2.1.1

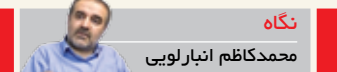
ونیس

باستیک‌ها ادامه دارند

2000

ن ۱۸۰ نفر درباره بنزین
راهکار بدهند

اھکار بدھند



مطالعات کتابخانه‌ای در ۳۰ کشور اروپا
ایران نشان می‌دهد میانگین قیمت بنزین در
کشورها ۸۳ هزار تومان است؛ با دلار ۱۱۸
هزار تومان، بخشی از این کشورها واردکننده
نفت هستند و بخشی واردکننده. تولیدکننده
قیمت بنزین نشان در ۱۰۰ هزار تومان است
و واردکننده‌هایی مثل ایران، مسترمان، ترکیه و
افغانستان باستانی بالای ۱۰۰ هزار تومان.
پرسش مهم این است: چرا قیمت بنزین
در ایران (حتی بالاترینش که امروز ۵۰۰۰
تومان می‌شود) تا این حد پایین است؟ هیچ
اقتصاددانی نمی‌داند این موضوع را باز کند که
چرا قیمت بنزین در ایران چنین است. اگر
قیمت نفت فیکس هسیتیم - که هسیتیم -
کشور بنزین باید زیر ۸۰ هزار تومان باشد؟
گرفتند نداشتیم باید بالای ۱۰۰ هزار
تومان بود. این قیمت ۵۰۰۰ تومانی چگونه
تعیین می‌شود؟ اگر پاسخی علمی برای این
موضوع پیدا شود، می‌تواند یک مساله مهم
اقتصادی را که آمیختنی نیست با یک کند
این معما در دانشگاه‌ها نیز باز نشده است؛ نه
در دانشکده‌های حسابداری صنعتی و نه در
دانشکده‌های اقتصاد. نگاه‌هایی که بنزین را
با پیاپی‌ترین قیمت عرضه می‌کنند، نه تنها
زیان نمی‌دهند، بلکه سود هم دارند؛ چرا
این پرسشی است که نهادهای علم باید پاسخ
دهند. گاهی می‌بینیم ۱۸۰ اقتصاددان بیانی
سیاسی می‌دهند اما ورود به این معما را
کنار می‌گذارند. باید از آنها پرسید پاسخ
شما چیست؟ یافتن پاسخ علمی می‌تواند به
حدا تازایی بودجه و تثبیت ارزش پول ملی
کمک کند.

در مورد رفع ناترازی‌های انرژی، گاز و برق نیز همین وضع برقرار است. همه دریافت‌های دولت باید در خزانه‌داری کل متمرکز باشد. درآمد فروش نفت در خارج (دلاری و داخلی) (ریالی) اصلاً به طور متمرکز ثبت نمی‌شود. ما ده‌ها معدن فعال داریم که در چنان رکوددار تولید مواد معدنی هستند؛ از فولاد تا تانک. سال‌های ۱۵ تن طلا در کشور تولید می‌شود اما هیچ ردیف درآمدی در داخل ندارد. ناترازی بودجه از همین جاها می‌آید. در آمدهای کشور در کشور وصول می‌شود اما خزانه کل ثبت نمی‌شود. وزارت اقتصاد برنامه و بودجه و دستگاه‌های اجرایی هنگام ارائه بودجه اصول ۴۴، ۴۵ و ۵۳ و رژیم حقوقی مالی را عموماً را رعایت کنند و دریافت‌های خود را در بودجه ببینند، کسری و ناترازی از میان خواهد رفت.

یادداشت
حمید ملکزاده

بیانات رهبر انقلاب اسلامی در مراسم جشن ولادت حضرت زهرا علیها السلام و در جمع مداحان اهلبیت(ع) را، جمله سخنی بود که قرآن را چارچوب یک مناسبت مذهبی، باید به منزله در پرچهای برای فهم تحول بنیادین عرصه سیاست جهانی در نظر گرفته شود. مفاهیمی که ایشان در بیانات خود مورد استناد قرار دادند - فشار، هویت، مقاومت، توسعه طلبی - تنها اصطلاحاتی سیاسی برای توصیف وضعیت نیست، بلکه گره‌گاه‌هایی است که لایه‌های یک روایت تاریخی - سیاسی را به هم پیوند می‌زند؛ روایتی که در آن، جایگاه مردم ایران را در ساختار قدرت جهان تحلیل و به شکل معناری در جهسته می‌کند.

در عین حال بیان این نکات در جمع مداحان اهل بیت، خود دحامر معناست. این گروه در سنت ایرانی، نهفته پاسدار آیینها و حفظان روایتها و سنتها و تاریخی هستند، بلکه به نحو متوالی در شکل بخشیدن به وجدان جمعی جامعه حضوری فعال دارند. از این جهت ضرورت برقراری شکلی از پیوند سیاسی میان هویت ملی و عناصری از فرهنگ دینی در کاری که مداحان اهل بیت انجام می دهند، در کنه بیانات معبر مهم انقلاب نهفته است؛ تنها در حضور چنین رابطهای است که بحث درباره مسائل مربوط به سیاست در جمع مداحان اهل بیت (ع) معنار می شود.

دشمن: سوسه های روان شناختی یا واقعیتی

وقتی در سپهر عمومی از «دشمن» سخن می‌گویم، عموماً در ذهن بسیاری از افراد به طرّو طبیعی دشمن در مقام یک دولت، قدرت شناخته‌شده یا حتی یک فرد مشخص حاضر

می‌شود؛ انگار دشمن، الزاما می‌گوید وجودیت واحد را به اراده‌ای یکپارچه است. این در حالی است که در منطق سیاست، دشمن پیش از آنکه یک شخص یا یک دولت خاص باشد، یک‌جور موقعیت است. این موقعیت در نتیجه برآیند جود منافع و تعارض و اهرها و با وجود می‌آید. از این جهت در هر گاه «چهره» و پرچم دارد اما در بسیاری موارد شبیهی از سیاست، سیاست‌ها، نهادهای و کنشگران برانگنده است. این شبکه پیچیده از بازیگران، مناسبت‌ها، سیاست‌ها و سیاست‌ها ازوما دارد، و یکپارچه نیستند، بلکه اغلب بر کدام در مسیر خاص و بزبانی حرکت می‌کنند. در حقیقت برآیند همه آنها یک‌جور واحد گیری واحد را تشکیل می‌دهد؛ جهت گیری واحدی که نه تنها علیه منافع ما، بلکه علیه هویت سیاسی ما در مقام یک مردم عمل می‌کند.

بر اساس این روایت در جهان معاصر صورت‌پندی دشمنی‌شناسی دیگر در موضوع جنگ مستقیم و لشکرکشی خلاصه نمی‌شود. امروز چنان که می‌بینیم، میدان تقابل با تغییر و از مرزهای سنتی خود عبور کرده است. امروز دشمنی می‌تواند در ساختار بازارهای مالی متجلی شود، در جریان‌سازی رسانه‌ای شکل بگیرد، در میزهای مذاکره مدیریت شود یا در شبکه‌های اجتماعی، در قالب فرهنگی فرهنگی و سبک زندگی، آرام و بدون اعلان رسمی بروز یابد. آنچه این نوع دشمنی را خطرناک‌تر می‌کند، سیالیت و چندلایگی خاصی است که به طور طبیعی از خود نشان می‌دهد، خودمختاری که در صرافات بیرون که گاهی از درون، سازوکارهای جهانی، به صورت تدریجی و بی‌صدا عمل می‌کند. ملت‌هایی با پیشینه تاریخی عمیق و ظرفیت استقلال سیاسی بالا، معمولاً هدف اصلی این نوع دشمنی هستند، زیرا هویت تاریخی و استقلال در خاخره جمعی اعضای آن به عنوان عنصری

بادوام وجود داشته و علیه فراخوان های دشمنانه برای تسلیم شدن عمل می کند. از این رو دشمنی علیه چنین ملت هایی به سمت ابراهای غیرنظامی چندبعدی سوق پیدا می کند. درباره ملت های مثل ایران، دشمنی صرفاً فاسلای ساده نیست که بتوانیم آن را به برخی رفتارها و منافع خاص تقلیل دهیم. درباره ما هدف از وضعیت های خصمانه ای که از آنها صحبت می کنیم، عناصر اساسی هویت جمعی و خاطره مشترک ما به عنوان یک ملت است. در اینجا بحث درباره دشمنی با عناصر بنیادین تشکیل دهنده هویت سیاسی ایرانیان است.

با عنایت به همین فهم از موضوع است که رهبر انقلاب در سخنان اخیر ایشان، از خصایصی متنوع از تقابل و عرصه‌های متکثر از نزاع خصمانه با ایران را ترسیم کرده‌اند: از توسعه‌طلبی سرزمینی و فشار برای تصرف منابع طبیعی تا عملیات پیچیده در حوزه سبک زندگی و تلاش برای تغییر هویت جمعی ایرانیان. اگر این عرصه‌های پراکنده از منازعه سیاسی در کنار فهمی که از مفهوم دشمنی در مقام یک وضعیت ارائه کردیم قرار دهیم، تأیید خواهد کرد دشمنی امروز تنها به دنبال تغییر رفتار سیاسی یک کشور نیست، بلکه می‌کوشد بنیان هویتی و فرهنگی یک ملت را درگیر کند. یعنی درست همان جایی را نشانه می‌گیرد که شخصیت تاریخی یک جامعه شکل گرفته و منبع مقاومت آن قرار دارد. در این چارچوب، سخنان رهبر انقلاب را باید نه‌تنها به عنوان توصیفی از خصایص، بلکه در مقام صورت‌بندی سیاسی و روشنی از یک نقشه طرح عمومی درباره واقعیت‌های قدرت در جهان کنونی در نظر گرفت؛ واقعیتی که در آن، دشمنی بیشتر از آنکه بر سر سوزدها و آشکار باشد، درامی پنهان و همدند پیش می‌رود. در این روایت، موشک‌ها تنها در بیان یک دوره طولانی از دشمنی

ونزوئلا؛ مسیر بی بازگشت آمریکا

آمریکا مشغولند، نشان دهنده سیاست دوگانه واشنگتن است. آمریکا سایر کشورها را از فعالیت در صنایع نفتی و انرژی منع می‌کند اما خود به دنبال انحصار این منابع است. هدف نهایی، کنترل بر ثروت و تولیدات آمریکا می‌تواند تحمل چند مساله‌ای را ژوئیندا ماغیر همسو با منافعی داشته باشد. آمریکا تصور می‌کند اگر موفق به اشغال ونزوئلا یا بر آوردن دولتی وابسته به خود شود، می‌تواند نفوذ چین و روسیه را در آمریکای لاتین کنترل و با تسلط بر بازار نفت، این قدرت‌ها را مهار کند. قدرت نظامی و ونزوئلا در مقایسه با آمریکا ناچیز است. اگر ترامپ تصمیم به حمله تمام‌عیار بگیرد،

برای نابود کردن امکان مقاومت در میان یک مردم و بعد از هر مرحله از هویت‌زدایی سیاسی از آن مردم به پرواز درمی‌آیند.

مقاومت؛ ضرورت بازاندیشی در الگوهای جدید

در سایه صورت‌بندی جدیدی که در بنیات رهبر انقلاب درباره ماهیت چندلایه و پیچیده دشمنی در جهان امروز رسیده است، مفهوم مقاومت معاصر سیاسی و واکنشی مقطعی به تهدیدهای آشکار و پنهان است. این منظر مقاومت راهبردی است مبتنی بر فهم عمیق از میدان‌های که دشمنی در آن رخ می‌دهد و اهدافی که بر پس این فشارها نهفته است. در روایت جدیدی که از دشمنی ارائه کردیم فشارهای خصمانه از سطح سیاست رسمی فراتر رفته و به قلب هویت، سبک زندگی، حافظه تاریخی و نظام معنایی یک ملت نفوذ می‌کند. از این جهت مقاومت معاصر، صرفاً نظامی به سطحی اجتماعی، فرهنگی و روزمره ارتقا یابد. در چنین وضعیت، مقاومت نه به بسیج صرفاً بر ابزار نظامی، بلکه با فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی معنا پیدا می‌کند. از این قیاس امروز میدان اصلی مقاومت، حوزه راهبردهای روزمره است؛ رسانه‌ها، روایت‌ها، زبان، روابط اجتماعی، فرهنگ و شبکه‌های ارتباطی. اگر در گذشته مقاومت بیشتر به معنای حضور در سنگر یا میدان رزم بود، امروز بیش از فرهنگ است؛ میدانی که در آن محتوا تولید، ارزش‌ها بازآفرینی و خداگامی ملی تقویت می‌شود.

بنابر این باید این مسأله را در نظر داشت که در روایت جدید، مقاومت باید با گسترش فعالیت‌های فرهنگی همدند همراه شود؛ فعالیت‌هایی که تنها رای مخاطب ایرانی و در داخل کشور، بلکه برای حوزه‌های پیرامونی و حتی فرمانطقه‌ای طراحی همان‌طور که اخیراً با استقرار هزاران نیرو، ناوهای جنگی و پرواز هواپیماهای جنگنده در خلیج و تنگه‌ها شده، به طاهر می‌تواند نیکلاس مادورو را سرنگون کند. با این حال، مسأله اصلی پس از سرنگونی احتمالی مادورو است، آمریکا ممکن است درگیر جنگ فرسایشی و چریکی شود، مشابه آنچه در عراق و افغانستان رخ داد. تجهیزات نظامی فعلی آمریکا بیشتر برای تهدید و فشار است، نه حمله مستقیم. ترامپ به دنبال کم‌زنبه‌ترین است. فشار اقتصادی، تحریم، اقدامات خبرآکنده را امید به خیانت داخلی، تاکنون این تلاش‌ها که از دوران

شده باشد. به همین دلیل است که می‌توانیم اعدا و تبیین فرهنگی، تبیین عقلانی تاریخ سیاسی ایران و ایجاد شنودگی فرهنگی نسبت به جهان، بخشی باشد از این مبارزه دائمی است. در جهان جدید، مقاومت به معنای فراهم آوردن شرایطی است که بر اساس آن جامعه می‌تواند روایت خود را از زندگی، تاریخ و آینده آن تولید کرده و آن روایت را در برابر روایت‌های تحمیلی، محافظت و عرضه کند. در همین چارچوب است که مقاومت به معنای دفاع از ارزش‌ها و عقاید و معنای دقایق تری می‌یابد. از این منظر انقلاب اسلامی صرفاً یک تحول تاریخی نیست، بلکه آغاز روندی برای بازپس‌گیری میدان روایتی است که در طول دهه‌ها، برای اینکه به شکل جهانی تغییر کرده و از ریخت بیفتد، متحشّر باشد. می‌تواند بود. به همین خاطر است که می‌توانیم اعدا کنیم که با مشارکت توده‌های مردم، هویت ملی را از دست روایت‌های مداخله‌گر بیرونی خارج کرده و آن را به منبع قدرت سیاسی و فرهنگی تبدیل کرد. درمیان معنی مقاومت، در دل همین تجربه تاریخی نهفته است؛ تجربه‌ای که نشان داد پایدار یک ملت هنگامی مؤثر است که در جهان عبودیت، رفتار زیاده و خودانگاری جمعی که فرهنگ عامه، در نهایت برای آن نکته را در نظر داشت که در چنین روایتی، مقاومت به معنای جنگیدن دائمی نیست، بلکه به معنای ایستادگی پایدار بر حق ملت برای تعیین مسیر خویش است. به نظر می‌رسد امروز برای مقاومت را به عنوان فرآیندی در بیان گرفت که در نتیجه آن یک جامعه خاص اجازه ندهد دیگران کیستی او را تعیین کرده و درباره زندگی آن تصمیم‌گیری کنند. این درک از مقاومت نه شکاری، بلکه عقلانی، پایدار، فرهنگی و عمیقاً مردمی است.

در دهه‌های اخیر همه ابزارها را برای سرنگونی نظام چاوسیستی به کار گرفتند اما نتوانستند.

جنگ آمریکا علیه ونزوئلا مدت‌هاست آغاز شده اما بخش نظامی آن به حیات نیست. مهم‌ترین جنبه، عملیات روانی است که با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل، برای مرعوب کردن دولت و مردم ونزوئلا و تغییر افکار عمومی جهان انجام می‌شود. از سوی دیگر، ونزوئلایی‌ها لایه‌هایی قوی در آمریکا دارند؛ برخی استوارها یا این کشور روابط دیرینه دارند و نفوذ آنها مانع اقدامات خشن شده است.

ادامه در صفحه ۷